



الاهیات مسیحی در سینما

دکتر عارفه گودرزوند چگینی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

پاییز ۱۴۰۲

گودرزوند چگینی، عارفه، ۱۳۶۲ -
الاهیات مسیحی در سینما / عارفه گودرزوند چگینی - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۲.
، ۲۰۴ ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۶۹۱: ارتباطات؛ ۳)
ISBN : 978-600-298-482-1
بها: ۱۲۲۰۰۰ ریال
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه. ص. [۲۰۴]؛ همچنین به صورت زیرنویس.
۱. موضوع. الف. سینما، ب. جنبه‌های مذهبی، ج. مسیحیت؛
عنوان. عیسی مسیح در سینما؛ Jesus Christ -- In motion pictures -- Christianity
شناسه‌افزوده: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
رده‌بندی کنگره: ۵ / PN۱۹۹۵
شماره کتابشناسی ملی: ۹۳۳۵۲۸۶
رده‌بندی بی‌بی‌سی: ۷۹۱/۴۳۶۸۲



الاهیات مسیحی در سینما

مؤلف: دکتر عارفه گودرزوند چگینی (عضو هیئت‌علمی دانشگاه آزاد رشت)

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه‌آرایی: تحریر اندیشه

چاپ اول: پاییز ۱۴۰۲

تعداد: ۳۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۱۲۲۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات

۳۷۱۸۵-۳۱۵۱.ص.پ. ۳۲۸۰۳۰۹۰، شماره: ۳۲۱۱۱۳۰۰)

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۰۲۵-۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظرگرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به‌عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی علیه‌السلام، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۶۹۰ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر به‌عنوان منبع درسی برای دانشجویان رشته‌های علوم ارتباطات، دین‌پژوهی و موضوعات میان رشته‌ای همچون مطالعات دین و سینما در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و پژوهشگران حوزه‌های مرتبط مورد استفاده است.

از استادان و صاحب نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم اثر، دکتر عارفه گودرزوند و نیز، ارزیاب محترم اثر، دکتر اصغر فهیمی‌فر، سپاسگزاری کند.

چهار

توصیه‌نامه

«کتاب حاضر نمونه خوبی از پژوهش، تفسیر و توسعه روش‌شناختی ارتباط میان الاهیات و فیلم است. کتاب، طیف گسترده‌ای از موضوعاتی همچون مطالعات فیلم، به‌ویژه تاریخ سینما، ماهیت زیبایی‌شناختی و هنری صنعت تصاویر متحرک و تغییر تدریجی واکنش کلیسای کاتولیک و پروتستان و تفسیر فیلم‌های الاهیاتی (عمدتاً در آمریکا و اروپا) را به نحو شایسته‌ای مطرح می‌نماید. هدف از ارائه این پژوهش، فراهم کردن پارادایمی دقیق برای مطالعات الاهیات و فیلم در ایران است. کتاب به‌دقت تعاملات متحول‌کننده میان الاهیات و فیلم و درهم‌آمیزی الاهیات با فیلم را بررسی می‌کند. پژوهش حاضر نشان می‌دهد سینما چگونه الاهیات را از انحصار کلیسا خارج می‌کند، و از طریق شیوه‌های هنری منحصر به فرد، آن را در دسترس عموم قرار می‌دهد. کتاب بر تاریخ مواجهه الاهیات مسیحی با سینما تمرکز دارد و تحلیل‌های الاهیاتی بسیار خوبی از برجسته‌ترین فیلم‌های مربوط به عیسی مسیح و دیگر آموزه‌های مسیحی، به دست می‌دهد. پرداختن به تحولات کلیسای کاتولیک در مواجهه با شکل‌گیری الهیات فیلم، به‌ویژه اسناد شورای واتیکان دوم، قابل‌توجه‌ترین قسمت این کتاب محسوب می‌شود. این کتاب می‌تواند منبع بسیار خوبی برای توسعه مطالعات الاهیات و فیلم در فضای آکادمیک ایران باشد.»

پروفسور کورت اندرس ریچادرسون

پروفسور دانشکده مطالعات ادیان، دانشگاه دالاس تگزاس آمریکا

و استاد مدعو دانشگاه ترینیتی تورنتو کانادا

پنج

فهرست مطالب

فصل اول: مقدمه

فصل دوم: گونه‌های مواجهه الاهیات و سینما

مقدمه	۱۱
پیدایش سینما	۱۲
ورود الاهیات به سینما	۱۴
مواجهه الاهیات و سینما	۱۷
۱. پرهیز و اجتناب	۱۸
۲. احتیاط	۲۲
۳. تجویز	۲۴
۴. تعامل و دیالوگ	۲۹
۵. مواجهه امر الوهی	۳۴

فصل سوم: سانسور، الاهیات و سینما

سانسور، الاهیات و سینما	۳۷
رویکرد پروتستان مدرن به فیلم از سال ۱۹۶۹ تا کنون	۵۰
آیین نامه حجب و حیا ملقب به آیین نامه هالیوود	۶۲
سیستم رتبه‌بندی فیلم‌ها با رویکرد اخلاقی	۶۳

فصل چهارم: مفاهیم الاهیاتی در سینما

مقدمه	۶۵
جایگاه کتاب مقدس در سینما	۶۵
کتاب مقدس، خالق ژانر حماسی سینما	۷۰
چرا کتاب مقدس؟	۸۰

هفت

۸۲.....	یافتن خدا در تاریکی سینما
۸۴.....	خدای غائب از صفحه نمایش
۸۸.....	خدای متجلی در صفحه نمایش
۹۸.....	کلیسا در سینما
۱۰۰.....	فیلم‌های معطوف به کلیسا، پاپ و کشیش
۱۰۴.....	رسوایی اخلاقی کلیسا
۱۰۸.....	مسئله مرگ در سینما
۱۱۲.....	دیگری دینی در سینما
۱۲۱.....	چالش علم و دین در سینما

فصل پنجم: عیسی مسیح در سینما

۱۲۵.....	مقدمه
۱۲۸.....	مسیح‌شناسی سینما
۱۳۳.....	فیلم‌های عیسی مسیح از آغاز سینما تا دهه ۱۹۲۰
۱۳۳.....	فیلم‌های دهه ۱۹۳۰، ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰
۱۳۴.....	فیلم‌های دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰
۱۳۵.....	فیلم‌های عیسی مسیح محور
۱۳۶.....	فیلم‌های واقع‌گرایانه
۱۳۶.....	فیلم‌های پردازش‌شده
۱۳۶.....	شخصیت مسیح‌گونه در فیلم‌ها
۱۳۶.....	فیلم‌های عیسی مسیح محور
۱۳۷.....	انجیل به روایت هالیوود؛ شاه شاهان (۱۹۶۱) و بزرگ‌ترین داستانی که تا به حال گفته شده است (۱۹۶۵)....
۱۴۰.....	فیلم‌های موزیکال عیسی مسیح؛ عیسی مسیح سوپرستار و گاد اسپل (۱۹۷۳)
۱۴۶.....	فیلم‌های اسکندال یا مایه رسوایی: زندگی برایان (۱۹۷۹) و آخرین وسوسه مسیح (۱۹۸۸)
۱۵۳.....	کلاسیک اخیر؛ عیسای ناصری (۱۹۷۷) و مسیحا (۱۹۷۵)
۱۵۶.....	یک فیلم شاهکار؛ انجیل به روایت متی (۱۹۶۴)
۱۵۸.....	فیلم‌های مدرن عیسی مسیح؛ فیلم برخاسته (۲۰۱۶)
۱۵۹.....	شخصیت مسیح‌گونه در فیلم‌ها
۱۶۰.....	یک فیلم‌گذار؛ عیسای مونترال (۱۹۸۹)
۱۶۲.....	زنان در نقش مسیح؛ ضیافت بابت (۱۹۸۷) و راه رفتن مردِ مرده (۱۹۹۵)
۱۶۸.....	قدیسان به‌عنوان شخصیت مسیح‌گونه
۱۷۱.....	کشیش به‌عنوان شخصیت مسیح‌گونه در فیلم‌های مدرن؛ فیلم سکوت
۱۷۳.....	چالش‌های به تصویر کشیدن عیسی مسیح در سینما

هشت

فصل ششم: تحلیل و نتیجه‌گیری

ارتباط الاهیات و سینما: به‌مثابه ترس و نیاز ۱۷۷

منابع ۱۹۳

فصل اول

مقدمه

سینما، جوان‌ترین فرم هنری، اکنون به یکی از قدرتمندترین آن در همه تاریخ مبدل شده است. از آنجاکه قدمت ارتباط دین و فیلم به پیدایش سینما برمی‌گردد، مباحثات آکادمیک درباره‌ی الاهیات و فیلم در دو دهه‌ی اخیر گسترش بیشتری یافته و تبدیل به رشته‌ی دانشگاهی مجزا شده است. الاهیات، از زمان زایش این فرم هنری، همواره خود را در چالش با آن یافت و نتوانست از چنگال نقدها و بازنمایی‌های سکولارگونه‌اش بگریزد. با این همه مفاهیم الاهیاتی بسیاری از طریق فیلم‌ها به دنیای مدرن در هر سطح و طبقه‌ای منتقل و موجب پویایی مباحث الاهیاتی و نیز فرهنگی-بصری شد. دراماتیزه کردن مفاهیم ماورایی و نادیدنی، بازنمایی کتاب مقدس، داستان‌های اخلاقی و از همه مهم‌تر مصائب مسیح، رسالتی بود که فیلم، برای الاهیات انجام داده و تکیه بر مفاهیم الاهیاتی و متن مقدسی برای بسط روایات و کاراکترها نیز، رسالت متقابل الاهیات برای فیلم بوده است. هرچند ایجاد پیوند میان طبیعت پیچیده و متفاوت مطالعات دینی با ماهیت متنوع، خیال‌گونه و خلاق‌گونه سینما رسالتی بسیار سخت به نظر می‌رسد، اما بیانیه‌ی مستقل شورای واتیکان دوم، درباره‌ی مواجهه‌ی کلیسا با وسایل ارتباط جمعی با تأکید بر سینما در ۱۹۶۳ با نام *Inter Mirifica*^۱، مطرح شدن ترکیب جذابی چون الاهیات سرگرمی^۲ در میان پژوهشگران حوزه‌ی الاهیات و سینما و ایجاد رشته‌ی مفصلی با نام مطالعات دین و فیلم، نگارنده را برای پژوهش هرچه بیشتر در این زمینه مصمم‌تر ساخت.

در منابع، ارتباط دانشگاهی و رسمی الاهیات و سینما، دهه‌ی ۱۹۷۰ ذکر شده است، اما

۱. سند شورای واتیکان دوم درباره وسایل ارتباطات جمعی که در ۴ دسامبر ۱۹۶۳ از سوی واتیکان منتشر شد.

2. Theology of entertainment.

قدمت ارتباط و پیوند میان این دو به روزهای آغازین اختراع سینما بازمی‌گردد. همان‌طور که آندره بازن، نظریه‌پرداز مشهور سینما، می‌گوید: «سینما همواره به موضوع خدا و امور متعالی علاقه‌مند بوده است».^۱

برادران لومیر در دهه اول اختراع سینما، دست‌کم نیمی از فیلم‌های تولیدی خود را به زندگی و مصائب مسیح اختصاص دادند، به‌گونه‌ای که کاراکتر مسیح تبدیل به مشهورترین و رایج‌ترین موضوع و سنگ‌محک فیلم‌های سینمایی گشت. این روند تعامل بدون چالش ادامه داشت تا آنکه فیلم‌هایی با محوریت آموزه‌های الاهیاتی اما متفاوت، به پرده سینما راه یافت. سینما به فراخور ماهیتش، در تلاش برای بازنمایی و خوانشی عمدتاً مدرن از دین و شخصیت‌های دینی بود. در حالی که الاهیات همچنان به ارائه سنتی از آموزه‌های خود مشغول بود، سینما با دیدنی کردن امور نادیدنی، به کار گرفتن تکنیک صدا، تصویر و موزیک به خلق شاهکارهای بصری و جذب مخاطبان پرداخت. کلیسا برخی از آنها را توهین به مقدسات دانست و برای نظارت و کنترل محتوای فیلم‌ها وارد میدان شد. از سال ۱۹۰۷ چالش جدی و رسمی میان نهاد کلیسا و صنعت فیلم، بر سر سانسور محتوای برخی فیلم‌ها و در نتیجه تأسیس نهاد لژیون نجابت، زیر نظر کلیسای کاتولیک به وجود آمد تا قوانینی سخت را در تولید فیلم‌ها اتخاذ نماید.

ورود الاهیات به سینما موضع‌گیری‌های متفاوتی را در میان جامعه دین‌دار و متولیان کلیسا به وجود آورد. الاهیدانان که دغدغه حفظ امور قدسی را داشتند نگران بودند که سینما به فراخور ماهیتش، الاهیات را در خود ببلعد و در نهایت، الاهیاتی سکولار تحویل دهد. از دید این الاهیدانان ناخشنود، یکی از تبعات ورود الاهیات به سینما قدسیت‌زدایی و عرفی‌سازی مفاهیم سنتی الاهیاتی است. آنها قویاً بر این باورند که سینما ظرفیت نمایش امور قدسی را ندارد؛ زیرا سینما بر امور دنیایی، انسانی و نامتعالی صحنه می‌گذارد، در حالی که الاهیات، کالبدناپذیر و از جنس امور متعالی است.

در فرایند ورود الاهیات به سینما، خدا و مسیح و همه شخصیت‌های دینی قدسیت‌زدایی و زمینی شده، خدا و مسیح به سطح انسانی تنزل یافته و به انسان‌هایی معمولی تبدیل می‌شوند. فیلم‌ها افزون‌بر دگرگونی روایت الاهیات، قوه خیال مخاطبان را به تصاویر ارائه‌شده، محدود می‌کنند. تا پیش از این، مخاطبان درباره نصوص دینی و میزان بالای قدسیت آنها روی‌پردازی می‌کردند، اما

۱. بازن، سینما چیست؟، ص ۴۵.

سینما جسارت عینیت‌سازی این امور را به مخاطب واگذار کرده و از این پس، او خدا، عیسی و دیگر انسان‌های قدسی را در قامت بازیگران و سوپرستارها می‌بیند و این تصویر برای همیشه در ذهن او نقش می‌بندد. چالش دیگر ورودِ الاهیات به سینما این است که فیلم، مرجعیت کلیسا را تهدید می‌کند. فیلم به‌مثابه متن دینی و منبعی برای شناخت، به اندازه منبر و موعظه و حتی بیشتر از آن عمل می‌کند. تفسیری که فیلم از رخدادهای الاهیاتی به دست می‌دهد، تفسیری است که سال‌ها در ذهن مخاطب نقش می‌بندد و این برای مرجعیت کلیسا - که خود را یگانه مرجع تفسیر دین می‌پندارد - تهدید محسوب می‌شود. چالش دیگر الاهیات و سینما، روش معمول الاهیات در بررسی امور خاصی همچون معجزه و خرق عادت است و این چیزی است که سینما از به تصویر کشیدن آن عاجز بوده و دست به تقلیل و یا حذف آن می‌زند و در آخر تنش میان فرم و محتوا، گاه در برخی فیلم‌ها چنان عظیم است که جدیت و حتی عمق نگرش الاهیاتی را در معرض خطر قرار می‌دهد و در سبک‌سری لحن فیلم گم می‌شود.

تجربه ورود الاهیات به سینما سویه دیگری هم دارد. عده‌ای به این تجربه خوش‌بین‌اند و معتقدند سینما الاهیات را به سخن‌داداشته است. سینما قواعد و روال‌نهادهایی چون دین را تغییر داده و آن را به عرصه گفتمان عمومی تبدیل کرده است. تجربه انسان‌مدرن، نشان از ناکارآمد بودن روش‌های سنتی در بیان آموزه‌های دینی دارد. سینما را به‌ویژه می‌توان منبع بسیار قدرتمند و مؤثری در ایجاد تفکر دینی در مخاطبان دانست. تصاویر نوعی حس بی‌واسطه از واقعیت دارند که هنرهای دیگر ندارند.

فیلم می‌تواند موجد ایمان باشد؛ ایمانی حاصل از تصاویر سینمایی و احساسات قدسی. کلایو مارش در مواجهه الاهیات و فیلم می‌نویسد: «ما مجهز به‌شماری از نگرش‌های سنت مسیحی هستیم که به فهم‌مان از مضامین الاهیاتی درون فیلم‌ها، عمق می‌بخشد. گام بعدی بررسی واکنش فیلم به این مفروضات الاهیاتی است. باز هم گفتنی است که پرسش این نیست که آیا خوانش فیلم از الاهیات امکان‌پذیر است یا نه، بلکه می‌خواهیم بدانیم با فرض اینکه این خوانش ممکن باشد، فیلم‌ها چه چیزهایی درباره الاهیات به مخاطبان می‌آموزند؟ بدون شک گفتگوی میان فیلم و الاهیات موجب صیقل یافتن نگرش تماشاگر به ارتباط میان انسان، دین و خدا می‌شود. فیلم عامل مواجهه و کاوش انسان با خدا به‌عنوان تجربه‌ای سراسر انسانی و مبتنی بر زندگی روزمره با بهره‌گیری از جستارهای خدا‌باورمندانه است. برخی فیلم‌ها در کنار انگیزه‌ای

که برای تعمیق برخی آئین‌ها به وجود می‌آورند، بسیاری از موضوعات دیگر، همچون ایمان، رشد انسان، محبت و نوع دوستی را مطرح ساخته و عمق می‌بخشند»^۱.

سینما هنری بازنمایانه و تجربی است که می‌تواند مخاطب را به هم‌ذات‌پنداری با دوربین وادار کند و همدلی آنی میان مخاطبان درباره تجربه امور قدسی ایجاد نماید. سینما از آن‌رو که یکی از ابزارهای عرضه‌کننده مفاهیم الاهیاتی به صورت دیداری است می‌تواند منبع مهمی برای سؤال از الاهیات و تفسیر آن باشد. سینما از سوی دیگر می‌تواند نگرش دینی سنتی مخاطب را به چالش بکشانند. تجربه نشان داده است که سینما در دست برخی فیلم‌سازان به سوی زمینی شدن حرکتی نداشته است، بلکه همواره به سوی تقدس در سیر بوده است.

این پرسش مطرح می‌شود که الاهیات با بسیاری از هنرهای تجسمی - از جمله نقاشی و مجسمه‌سازی - پیوند داشته، اما چرا از میان هنرها با سینما هم پیوند داشته است و هم چالش. سینما چه ویژگی‌هایی دارد که این کشش دوجانبه از همان آغاز پیدایش سینما به وجود آمده است. فیلم همچون متن دارای زبان، قواعد ساختاری و ویژگی‌های بافتاری است. فیلم‌ها از واحدهای بنیادینی به نام نما یا شات تشکیل شده‌اند و برای پیوستن این نماها به یکدیگر و تبدیلسشان به زنجیره‌های بزرگ‌تری به نام سکانس بر تدوین تکیه دارند، درست همان‌طور که کلمات به جملات تبدیل می‌شوند. برخی از فیلم‌ها برای اینکه قابل فهم باشند بر مجموعه‌ای از قوانین یا قراردادهای سینمایی متکی‌اند، یعنی شکلی از دستور زبان فیلم که طی زمان تکامل یافته‌اند.

کار سینما زنده‌نمایی و خلق دنیایی خیالی است که تنها ذهن بدانجا راه دارد. پویایی سینما و ظرفیت بی‌حد و حصرش برای چینش مجدد زمان، مکان و حرکت، ابعادی از آن را آشکار می‌کند که عمیقاً اجتماعی، تاریخی، صنعتی، فناورانه، فلسفی، زیباشناختی و روان‌شناختی و الاهیاتی‌اند. سینما فی‌نفسه به‌خاطر شیوه قصه‌گویی‌اش جذاب است و از این ظرفیت خیره‌کننده برای جذب مخاطب استفاده کرده و توانسته است با اوج پیشرفت فناوری‌اش - که ما آن را «جلوه‌های ویژه» می‌نامیم - برای به تصویر کشیدن ماوراء و نهانی‌ترین لایه خیال بهره‌گیرد. از نگاه آندره بازن، نظریه‌پرداز مشهور، سینما جدی‌تر از آنی بود که دیگران آن را صرفاً وسیله‌ای برای سرگرمی بدانند؛ سینما راهی است برای کنکاش در هستی‌شناسی و جو یا شدن از معنا، ماهیت و احوال جهان.^۲

۱. مارش، کاوش در الاهیات و سینما، ص ۲۶۴.

۲. ویلاریو، مبانی مطالعات سینمایی، ص ۳۸.

سینما برای شیفتگانش از آن محدوده موضوعاتی است که مطالعه‌اش ثمربخش است؛ زیرا دامنه بی‌نهایت گسترده‌ای دارد. سینما قادر است دیدگاه‌های فرهنگی را شکل و بازتاب دهد و نیز قدرت تحکیم یا طرد اندیشه مسلط فرهنگی و دینی را داراست. سینما از دل فرهنگ بیرون می‌آید و زاییده آن است. فیلم‌ها در انزوای فرهنگی و هنری تولید نمی‌شوند؛ بنابراین سینما نمی‌تواند خود را از فرهنگ به‌عنوان سازنده ایدئولوژی و جهان معنا جدا بداند. ویژگی ساختاری سینما، نیاز به سرمایه‌گذاری‌های زیاد و ارتباطش با توده مخاطبان، این هنر را منحصر به فرد ساخته است. طی این سال‌ها، سینما آثار هنری والایی خلق کرده که با شکوه و مهارتی وصف‌ناپذیر به شرایط و معضلات بشری پرداخته‌اند. وقتی این هنر را به دلیل اهمیت انسانی یا گستره فلسفی‌اش و نیز به‌خاطر استفاده از فناوری تخصصی در این هنر مورد مطالعه قرار دهیم، در می‌یابیم که روش‌ها و معانی موجود در سینما آنچنان قابل اعتنا هستند که می‌توان آن را یکی از بهترین روش‌ها برای بیان و آکاوی معضلات مربوط به بشریت دانست. معضلاتی آنچنان مهم که انسان باید در طول زندگی مدام با آنها دست‌وپنجه نرم کند. فهم سینما به‌مثابه فهم تاریخ انسان، درونیات، خیالات، احوالات و مطالبات اوست.^۱

یک حالت فیلمیک داریم که حالت حضور است و مفاهیم را برای بیننده هرچه باورپذیرتر و قابل لمس‌تر می‌کند. فیلم با احساس واقعیت خود، با چیرگی مستقیمش بر حواس، بیش از تازه‌ترین نمایشنامه‌ها و رمان‌ها، توان جذب توده‌های مردم را دارد. آیا همین ویژگی سینما را می‌توان به دیگر هنرهای هم‌عصرش تعمیم داد؟ دلیل خاص بودن سینما نسبت به دیگر هنرها در این است که سینما می‌تواند روی شکاف ایجاد شده میان هنر واقعی و مخاطب عام پل بزند یا اهتمامش این است تا این پیوند را ایجاد کند. علت آنکه فیلم‌سازان قادرند با دیگران و نه تنها دوستان خود، حرف بزنند این است که فیلم از جذابیت حضور و نزدیکی نیرومندی برخوردار است و به راحتی می‌تواند توده‌های مردم و سالن‌های سینما را پر می‌کند. این پدیده که به احساس واقعیت در سینما ارتباط دارد طبعاً دارای اهمیت زیبایی‌شناختی زیادی است، اما بنیان آن بیش از هر چیز روان‌شناختی است.^۲

1. Adele Reinhartz, *Bible and Cinema*, Rutledge, p.37.

2. Christopher Deacy, *Theology and Film; Challenging the Sacred/ Secular Divine*, Blackwell, USA, 2008, p.7.

بررسی ویژگی‌های ساختاری و محتوایی سینما گواه آن است که الهیات با آن خصلت متافیزیک خود، در مواجهه و تعامل با سینما چه راه سخت و طولانی‌ای را طی نموده و چه تغییرات شگرفی را تجربه کرده و باوجود تلاش‌های فراوان برای به کنترل درآوردن سینما، مغلوب این هنر-صنعت شگفت‌انگیز شده است. تجربه مواجهه الهیات و سینما به کلیسا آموخته است که تعامل این دو، الهیات را مقبول‌تر، خواستنی‌تر و کاربردی‌تر خواهد ساخت. اگرچه همواره نحوه به تصویر کشیدن مفاهیم الهیاتی از سوی سینما، از دل‌نگرانی‌ها و دل‌مشغولی‌های کلیسا بوده است. پیوند الهیات و فیلم از همان روزهای آغازین اختراع سینما، خبر از الهیاتی می‌دهد که برای معرفی و تبیین گزاره‌هایش، خود را نیازمند وسایل ارتباط جمعی می‌داند. تصاحب حجم بالایی از تولیدات سینمایی توسط موضوعات الهیاتی و اقبال فیلم‌سازان برای ساخت فیلم‌هایی با رویکرد الهیاتی نشان از دادوستدی دو سویه میان سینما و الهیات دارد. راه یافتن فیلم به کلیساها، صومعه‌ها و کلاس‌های آموزش دینی، برگزاری نشست‌ها و کنفرانس‌های بی‌شمار ملی و بین‌المللی میان ارتباط‌پژوهان و دین‌پژوهان در سراسر جهان، ایجاد رشته دانشگاهی با عنوان مطالعات دین و فیلم، بیانیه مستقل شورای واتیکان دوم درباره سینما، اقدام کلیسای کاتولیک و پروتستان برای ایجاد استودیویی مستقل برای ساخت فیلم‌های دینی، همه و همه حکایت از ضرورت پرداختن به چنین موضوع پرتأثیر و مفیدی در پژوهش الهیاتی دارد.

امروزه گفتگوی الهیاتی محدود به کلیسا، محافل و کلاس‌های دینی نمی‌شود، بلکه خارج از کلیسا در سینماها بحث‌های داغ الهیاتی رخ می‌دهد و شکل تازه‌ای از گفتگوهای الهیاتی را به وجود می‌آورد. خاصیت طرح این مباحث در رسانه فراگیری چون سینما آن است که حتی افراد عامی نیز درباره مسائل دینی و الهیاتی به بحث، گفتگو و تبادل نظر می‌پردازند. این همان دستاورد سینماست که الهیات را از عالم بالا به میانه زندگی انسان زمینی می‌کشاند و آن را به سخن‌وایی دارد. در حالی که عده‌ای سینما را به خاطر ماهیت سکولارش و تغییر ماهیت مفاهیم الهیاتی محکوم می‌کنند، عده‌ای دیگر آن را به خاطر به پرسش گرفتن الهیات، ایجاد ارتباط دیالکتیکی میان الهیات و فرهنگ و هرچه پویاتر شدن الهیات می‌ستایند.

تعامل هرروزه الهیات و سینما و جذابیت‌های فیلم موقعیت جدیدی از دین‌مداری در دنیای مدرن را به دست می‌دهد. تعامل سازش‌کارانه الهیات و فیلم می‌تواند درکی درست از

دیگر ادیان و دیگری دینی^۱، احترام متقابل دین‌داران، ایجاد صلح و پررنگ کردن اشتراکات انسانی به جای پررنگ کردن تفاوت‌های دینی، ایجاد فضایی همدلانه و به دور از تنش و خشونت را فراهم کند. فرهنگ همچون رودخانه سیال و گذران است و الاهیات مسیحی برای غرق نشدن چاره‌ای ندارد جز آنکه شنا بیاموزد. الاهیات در بستر فرهنگ معاصر باید به بازخوانی و پویایی آموزه‌هایش بیندیشد تا مبادا مخاطبانش را از دست بدهد. این تحقیق با بررسی آسیب‌شناسی به تصویر کشیدن آموزه‌های الاهیاتی، می‌تواند راه را برای تولیدات سینمایی با محتوای الاهیاتی فراهم کند و تجربیاتی از فیلم‌سازان مسیحی را در اختیار فیلم‌سازانی با دغدغه تولید فیلم‌های دینی در داخل کشور قرار دهد.

می‌توان گفت بیانیه شورای واتیکان دوم درباره وسایل ارتباط جمعی فصل الخطاب منازعه‌ای است که نیم قرن میان الاهیات و سینما را به طول انجامید. این شورا با مطرح کردن قدرت و نفوذ اجتناب‌ناپذیر سینما، آن را هدیه‌ای از طرف خداوند به بشر دانست که باید در جهت رشد و نجات انسان به کار گرفته شود. در حقیقت، این بیانیه نشان داد که دیگر کلیسا بیش از این نمی‌تواند بر آموزه‌های سنتی خود پافشاری کند و ناچار است فرهنگ معاصر را بپذیرد و خود را با آن سازگار نماید، در غیر این صورت، در این فرهنگ هضم می‌شود و آتورپته خود را از دست خواهد داد. شورای واتیکان دوم این سنت دیرینه را – که کلیسا تنها مرجع و متکفل فرهنگ است – تغییر داد. حال دیگر کلیسا اعلام می‌دارد که استفاده از فیلم در نشر آموزه‌های الاهیات مسیحی حق کلیساست. قطعاً مواجهه الاهیات و سینما بر وظیفه و کارکرد الاهیات تأثیرگذار بوده و به تناسب مسائل معاصر، درک خود را گسترش داده‌اند. کلیسا با وجود تنش‌های فراوان با سینما در آغاز پیدایش این هنر – صنعت، در نهایت تن به تغییرات دنیای مدرن داده و سینما را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مقتضیات فرهنگ می‌پذیرد. گرچه حل شدن الاهیات مسیحی در فرهنگ، نگرانی‌های بسیار برای متکفلان امور دینی به وجود آورده، از جمله اینکه «که آیا الاهیاتی که در بستر فرهنگ رشد و تغذیه می‌کند در دراز مدت می‌تواند صفت «مسیحی» خود را حفظ کند یا نه؟^۲ اما حقیقتاً نمی‌توان این واقعیت را انکار نمود که الاهیات نیز از زمین حاصلخیز فرهنگ، کاشت و برداشت‌های خود را داشته و برای توسعه و گسترش مبانی خود

1. Religious otherness

۲. مارش، کاوش در الاهیات و سینما، ص ۴۰.

بهره‌های فراوان برده است. استفاده الاهیات از فیلم در جهت تأیید محتوای خود و نیز آموزش دین، گواه این پذیرش و تعامل دو سویه و رابطه همدلانه است. در رهگذر این تعامل، الاهیات خصلتی تازه یافت که می‌توان امروزه از آن به‌عنوان «الاهیات فرهنگ» یاد نمود.

در حین پژوهش به کتابی با عنوان آموزش دین و فیلم، اثر گرگوری واتکینز برخوردیم، این کتاب نحوه تعامل دین و فیلم را به‌صورت جلسات درسی نگاشته و به دانشجویان یاد می‌دهد که چگونه از پنجره مشترک دین و فیلم به مسائل بنگرند، چگونه فیلمی الاهیاتی بیافرینند و چگونه الاهیات را از این طریق به سخن وادارند. قطعاً پژوهش‌هایی از این دست در زبان فارسی، برای فیلم‌سازان و دین‌پژوهان فرصت گفتگو و تعامل بیشتری را فراهم خواهد آورد.

مطالعات دین و فیلم گرچه نسبت به دیگر علوم روشمند انسانی عمر چندانی ندارد، اما توانسته بسیار سریع در مطالعات میان‌رشته‌ای جای خود را باز کند. پژوهش‌های انجام‌شده در مطالعات دین و فیلم به زبان انگلیسی بسیار غنی و پر بار بوده و به پویایی هر دو رشته کمک شایانی کرده است. از آنجاکه الاهیات مسیحی در بستر فرهنگ معاصر بسیار زود دوران نوباوگی خود را سپری و دوران بالندگی و پویایی خود را از سر می‌گذرانند، جا دارد اندکی از تئوری‌های تجربه‌شده این الاهیات و درهم‌آمیختگی‌اش با علوم ارتباطات به کار گرفته شده و در میان علوم انسانی ایران هم جایی برای خود بگشاید. امروزه، الاهیات مسیحی به جهت پویایی‌اش، پایه‌پای دیگر علوم در تلاش است تا نیازهای بشری را برطرف کند. قطعاً فیلم را به‌مثابه مؤثرترین و قدرتمندترین وجهه فرهنگ معاصر و تأثیر آن بر همه ابعاد زندگی نمی‌توان نادیده گرفت. این فیلم است که الاهیات را از متن‌محور بودن و دور از دسترس بودن خارج و به میان اجتماع بشری می‌کشاند و از او راهکار می‌طلبد.

کتاب حاضر با تبیین ارتباط میان سینما و الاهیات درصدد پاسخ به دو پرسش است: «چه گفته می‌شود؟» که معطوف به کارکرد و وظیفه الاهیات و «چگونه گفته می‌شود؟» که معطوف به کارکرد و ظرفیت سینماست. نظام تحلیل یک فیلم از دادوستدهای متقابل نظام سبکی و نظام روایی در جهت تکامل بخشیدن به یکدیگر به شکلی زنجیروار به وجود می‌آید. وقتی تحلیل‌گر بیشتر بر رمزگان‌های تشکیل‌دهنده نظام روایی فیلم توجه می‌کند، به عرصه «تحلیل درون مایه‌ای» می‌گلتد و زمانی که توجه او بر رمزگان‌های سازنده نظام سبکی متمایل باشد، به عرصه «تحلیل ساختاری» وارد می‌شود. از آنجاکه نگارنده خود را دین‌پژوه می‌داند؛ بنابراین تلاش خود را در جهت تحلیل درون‌مایه‌ای و استفاده از روش تحلیل محتوا در تبیین فیلم‌ها به کار برده است.

کتاب پیش رو با چشم انداز و حساسیت‌های الاهیاتی، به بررسی و تحلیل مفاهیم مهم الاهیاتی در فیلم‌ها پرداخته است. در وهله اول، نحوه ورود الاهیات مسیحی به سینما بررسی شده، سپس نحوه پردازش فیلم‌ها از گزاره‌های الاهیاتی مورد تحلیل قرار گرفته است، و در نهایت، واکنش کلیسا به تصویرسازی سینما و میزان دوری و نزدیکی این تصاویر به مفاهیم الاهیاتی مورد تحلیل، بررسی و نقد قرار گرفته است. پس از بررسی فیلم‌های ذیل هر بحث، به نقد و میزان انطباق آن با الاهیات پرداخته شده است. نگارنده پس از تحلیل فیلم‌ها به این مهم دست یافته است که سینما با همه دستاوردهای نیکش، الاهیات را دگرگون و همگام با خوانش مدرنیته ساخته است. به چالش کشیدن آموزه‌هایی به غایت الوهی که برای انسان مدرن غیرقابل درک است، تعارض آموزه‌های متن مقدس با یافته‌های علمی، قدسیت‌زدایی از کاراکترهای متن مقدس، به چالش کشیدن معجزاتی که به کرات در متن مقدس بیان شده، تقلیل وجه رازآمیزی مفهوم خداوند به انسانی عادی، حجیت‌زدایی شخصیت عیسی مسیح و تقلیل او به عنوان فردی سطحی و عادی با نقایص انسانی و تقلیل و تنزل اخلاقیات انسانی از جمله اموری است که سینما در مواجهه با الاهیات سنتی مسیحی انجام داده است.

نگارنده درصدد بود کتاب حاضر را با رویکرد تطبیقی یعنی مواجهه الاهیات اسلامی و مسیحی با سینما تنظیم نماید، متأسفانه به علت نبود فیلم‌های کافی و هم‌تراز و عدم موازنه الاهیاتی، بخش اسلامی آن موکول به آینده و در قالب پژوهشی تحلیلی-مقایسه‌ای بدان پرداخته خواهد شد. پژوهشگران علاقه‌مند به رویکرد میان‌رشته‌ای الاهیات و سینما برای پژوهش بیشتر در زمینه عنوان کتاب می‌توانند به رساله دکتری اینجانب با عنوان «مسئله ورود الاهیات به سینما: بررسی تجربه الاهیات مسیحی» در دانشگاه ادیان و مذاهب قم مراجعه کنند.

فصل دوم

گونه‌های مواجهه الاهیات و سینما

مقدمه

اندیشیدن درباره سینما اگرچه قدمتی به اندازه تاریخ فیلم‌سازی دارد، اما تبدیل شدن آن به یک رشته دانشگاهی عملاً از دهه ۱۹۷۰ در دانشگاه‌های انگلیسی زبان دنیا آغاز شد. این رشته جدید از یک سو، بر هویت مستقل سینما به عنوان یک فرم هنری، یک رسانه، یک فناوری و نیز یک حوزه اقتصادی نوین تأکید داشته است،^۱ اما از سوی دیگر پیوند مطالعات سینمایی با رشته‌های دانشگاهی مانند تاریخ هنر، تئاتر، ادبیات و مقولاتی چون روان‌شناسی، زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، فلسفه، ارتباطات و دین، توجه بسیاری از متخصصان زمینه‌های گوناگون نظری را به این موضوع فرارشته‌ای جلب کرده است. امروزه با توجه به استقبال پژوهشگران حوزه‌های مختلف می‌توان گفت که مطالعات سینمایی یکی از پویاترین و پربرترین رشته‌های حوزه علوم انسانی محسوب می‌شود و این حس شگفتی انسان در قبال سینما، تعدادی از پرمعناترین آثار را درباره هنر هفتم برای ما به ارمغان آورده است.

این کتاب بر تجربه ورود الاهیات مسیحی به سینمای غرب تمرکز دارد؛ غرب جایی است که کشمکش‌ها و دیالوگ‌های فراوانی میان هنر-صنعت سینما و نهاد کلیسا به وجود آمده است. به سه دلیل این مسئله در مسیحیت غرب، نسبت به دیگر سنت‌های دینی قابل تأمل بیشتری است:

۱. تصاویر متحرک، صنعتی تجاری است که غرب آغازگر آن است و تأثیرات فرهنگی آن به صورت واضح و آشکاری بر تمام اروپا، آمریکا و جهان احساس می‌شود.

۲. درباره واکنش خاص الاهیات به سینما و نحوه رویارویی و تعامل میان این دو، مطالب

۱. ام هورر، لاندبای، بازاندیشی درباره رسانه، ص ۲۵.

بسیاری نگاشته شده و همین منجر به ایجاد دانش مطالعات فیلم، نظریه‌های فیلم و رویکرد میان‌رشته‌ای فیلم و الاهیات و دین و سینما شده است.

۳. رویارویی الاهیات و سینما سراسر کنش و چالش است. تاریخی متنوع از چالش‌ها در قالب سانسور، عدم جواز اکران، بیانیه‌ها و اعتراضات وجود دارد که در نهایت به روابطی حسنه میان الاهیات مسیحی و سینما و گفتگوی میان این دو ختم شده است.

پیدایش سینما

تری ایندوال^۱ در مقاله‌اش با نام «سینمای صامت و دین»^۲ می‌نویسد کسی حتی به ذهنش خطور نخواهد کرد که دو کشیش، ایده اولیه سینما را رقم زده باشند. پدر آتاناسیوس کیرچر^۳ در سال ۱۶۴۶ آزمایشی با آینه و نور انجام داد که طی پروسه‌ای می‌توانست تصاویر را روی دیوار صومعه منعکس کند. او نام این پروسه را فانوس خیال نام گذاشت و بدین ترتیب موجب سرگرمی راهبان دیر را فراهم کرده بود. پدر کیچر کتابی در همین راستا با عنوان هنر متعالی سایه و نور^۴ نوشت که جادوی تصاویر را توضیح می‌داد. او به واقع نخستین گام را در تصاویر غیرمتحرک برداشت. ۲۰۰ سال بعد کشیش هنیال گودوین و شیمیدان آماتوری، طرح اولیه سلولوید یا فیلم را به وجود آوردند. به گونه‌ای که بعدها کشیش چستر اس باهر^۵ با اشاره به کار بزرگ این کشیش، هنرمندان دینی را به استفاده از رسانه‌های جدید برای ملکوت خداوند ترغیب کرد. او می‌گوید: «کلیسا نباید پتانسیل تصاویر متحرک را در به تصویر کشیدن آموزه‌های دین نادیده بگیرد، مخصوصاً زمانی که یک کشیش مخترع اولیه آن بوده است».^۶

تولد سینما با استفاده از امکانات عکاسی همراه شد. سپس به کمک تئاتر و هنرهای دیگری چون ادبیات، موسیقی، رمان و نقاشی کامل‌تر شد؛ البته سه تفاوت میان سینما و خَلَفَش (یعنی عکاسی) وجود دارد که آن را مقبول‌تر و جذاب‌تر و باورپذیرتر کرده است؛ بُعد زمان، بُعد حرکت و

1. Terry Lindvall.
2. Silent cinema and religion: an overview (1895–1930).
3. Father Athanasius Kircher.
4. Great Art of shadow and light.
5. Chester S. Buher.
6. John Lyden, *The Rutledge Companion to Religion and Film*, p:13.

بُعد بخشیدن یا جسمیت بخشیدن؛ این سه عنصر، باعث واقعیت‌بخشی بیشتری به سینما شده‌اند که دیگر هنرهای پیش و پس از سینما را به تسلیم واداشته است. داستان خلق سینما به صورت رسمی مربوط به کافه گرند پاریس در دسامبر ۱۸۹۵ است. تاریخ، برادران لومیر، این کاشفان دستگاه حیرت‌انگیز ثبت حقایق، را هرگز از یاد نمی‌برد. مخاطبان برای دیدن اختراع برادران لومیر جمع شده بودند. آنها برای اولین بار در ۱۸۹۵ دستگاه خود را به کار انداختند و چند صحنه کوتاه را فیلم‌برداری کردند. ژرژ ملی‌یس^۱ می‌گوید: «ما دهان‌هایمان بازمانده بود و مات و مبهوت و متحیر شده بودیم و تجربه‌ای فراتر از آنچه که بشود در قالب کلمات آن را توصیف کرد، برای همه ما اتفاق افتاد». سال بعد برادران لومیر این فناوری را به هند، مصر، ژاپن و استرالیا بردند. در حالی که توماس ادیسون در آمریکا و پل در انگلیس از اختراعات مشابه خود رونمایی می‌کردند، همراه با برادران لومیر این اختراع را دوام و قوام بخشیدند و به سرعت در دهه‌های بعدی سینما به همه جای دنیا صادر و به قدرتمندترین هنر قرن بیستم تبدیل شد.

در ابتدای اختراع سینما، فیلم‌ها سیاه و سفید و صامت بود و در حدود سه دهه به همین منوال گذشت تا اینکه سال ۱۹۲۷ فیلم‌ها ناطق و سال ۱۹۳۰ رنگی شدند. بی‌گمان لحظه سرنوشت‌ساز زمانی بود که نخستین نظام علمی و به معنایی مکانیکی بازتولید تصویر، یعنی پرسپکتیو، کشف شد. اینک هنرمند می‌توانست توهم فضای سه‌بعدی را بیافریند که در آن اشیا همان‌گونه به نظر می‌رسید که چشم ما در واقعیت می‌بیند می‌توان بدون اغراق گفت سینما بالاترین حد تکامل واقع‌گرایی تجسمی تا به امروز است. ژرژ ملی‌یس – که خود شعبده باز و صاحب تئاتر بود – اولین فیلم خود را با رویکرد تخیل‌گرایانه با عنوان خانم ناپدید شونده^۲ (۱۸۹۶) ساخت. ملی‌یس توانست با استفاده از فن استاپ موشن^۳ تکنیکی در سینما که با پشت سر هم قرار دادن فریم‌ها حرکت را القاء می‌کند و دیگر جلوه‌های ویژه، صحنه‌های خیالی و پیچیده‌ای را در پیش چشمان حضار به نمایش درآورد.^۴

1. Georges Melies.
2. manoir du diable.
3. stop motion.
4. Ibid, p: 5.

ورود الاهیات به سینما

به تعبیر عده‌ای، سینما شوکی بزرگ به مرکز عصبی سیستم دینی بوده که گاه این شوک موجب نوزایی و احیاء آن و گاه نیز همچون بمبی مرگبار بوده که در میانه زمین الاهیات فرود آمده است. به هر حال، تا به امروز کنار هم قرار دادن واژه‌های سینما و الاهیات واکنش‌های بسیار متفاوتی را به وجود آورده است. اغلب معتقدند سینما نوعی سرگرمی است و با فرهنگ عامه ارتباط دارد و به مثابه یک رسانه، کاملاً از دایره سنت دینی و الاهیات خارج است. اساس سینما مربوط به امور زمینی انسان است، اما الاهیات عبارت است از حرف زدن درباره خدا و امور متعالی.^۱

از همان آغاز نه تنها سینما با الاهیات هم‌سخن و همراه، بلکه این همراهی به پدیده‌ای جهانی مبدل شد. سراسر مسیحیان آمریکای شمالی، فیلم مصائب مسیح^۲ را در دی‌وی‌دی در اتاق غذاخوری‌شان مشاهده می‌کردند. شاید ابتدایی‌ترین و رایج‌ترین موضوع سینما مجموعه مصائب مسیح بود که طرف‌داران زیادی داشت. ژاپن فیلم‌های انیمیشن در ارتباط با شینتو و بودیست می‌ساخت و پخش می‌کرد. در جنوب هند، روستاییان در مقابل یک صفحه بزرگ در هوای آزاد می‌نشستند و زندگی عیسی را تماشا می‌کردند و حالا فیلم‌ها با درون مایه الهیاتی بالغ بر ۱۰۰ میلیون بیننده داشت. اینها تنها مثال‌های کوچکی هستند از پیروان ادیان متفاوت با شیوه‌های متفاوت دین‌داری در سراسر دنیا که فیلم‌هایی را با جدیت دنبال می‌کردند که آموزه‌های الهیاتی را به تصویر می‌کشیدند.^۳

با وارد شدن تدوین و موتاژ به تصاویر متحرک، سینمای خیالی‌تری خلق شد. این بُعد از سینما اغلب به آنچه دین تلاش می‌کرد از طریق نشانه‌ها، سمبل‌ها، استعاره، اسطوره‌ها، آئین‌ها و تمثیل‌ها نشان دهد، نزدیک‌تر بود. جان اپستین،^۴ نظریه‌پرداز فیلم و فیلم‌ساز فرانسوی (۱۸۹۷-۱۹۵۳)، کسی که به ترقی و پیشرفت سینما به ادبیات و تکنیک فیلم‌سازی کمک بسیار کرده، معتقد است سینما از حیث چند قطبی بودن ماهیتش یکی از بهترین رسانه‌هایی است که می‌تواند امور قدسی را پردازش کند و به تصویر بکشد. قلمرو سینما قلمرو خیال و پردازش است.^۵

1. John Lyden, *The Rutledge Companion to Religion and Film*, p: 25.

2. Passion play.

3. Mitchel, Jolyon, *Religion and Film reader*, p.15.

4. Jean Epstein.

5. John Lyden, *The Rutledge companion to Religion and film*, p.316.

آندره بازن معتقد است سینما همواره درباره خدا و امور متعالی کنجکاو و پرداختن بدان متمایل بوده است. در دهه‌های آغازین سینما دست‌کم شش فیلم درباره عیسی مسیح ساخته شد و نسخه مصائب مسیح در سینماهای متفاوتی در سراسر اروپا تا دهه ۱۹۲۰ به نمایش درآمد که مطابقت بسیار با روایت متن مقدس داشت.^۱

البته جان آر می^۲ در کتابش با عنوان دین در فیلم نوشته است که با وجود این تلاش‌ها هنوز نظریه مبسوطی درباره رویکردی الهیاتی به سینما وجود ندارد. هنوز شکاف ارتباطی میان الهیات و فرهنگ وجود دارد و این شکاف عمیق و هراس‌انگیز است. جیمز دبلیو. کری در مقاله‌اش از این واقعیت ابراز تاسف کرد که دین «مغفول مانده‌ترین موضوع در ارتباطات است، هرچند که به نظر می‌رسد دین به‌عنوان موضوعی جدی جای واقعی خود را در پژوهش‌های رایج آکادمیک باز کرده است». به نظر کری، همه فرهنگ‌ها و ارتباطات ذاتاً دینی‌اند. کری می‌گوید: «دین چیزی است که حتی اگر سعی هم نکنم نمی‌توانم از چنگش خلاص شوم. کاتولیسیم در وجود من سکنای گزیده است». سنت‌های دینی تا زمانی که در جستجوی معنا، حقیقت و حکمت عمیق‌تر در ارتباط با زندگی، تاریخ و سرنوشت انسان باشند، می‌توانند برای دنیای فیلم عرضه‌کننده باشند. از سوی دیگر، الهیات برای اینکه ارتباط دقیق و عمیق‌تری با فیلم‌ها بگیرد باید تحولات صنعتی و هنری مربوط به فیلم‌ها را دنبال و سواد رسانه‌ای خود را به‌روزرسانی کند. الهیات برای اینکه بهتر آماده تفسیر فیلم‌ها شود و با آنها ارتباط بیشتری داشته باشد، مجبور خواهد بود در برخی از کارکردها و موضع‌گیری‌هایش بازنگری کند. وظیفه الهیات توجه به علاقه‌مندی‌ها، محتواها، دیدگاه‌ها و پرسش‌های نهفته در روایت فیلم‌هاست. الهیدان مدام باید با دیدن هر فیلم را از خود بپرسد که آیا این فیلم مخاطب را به امور قدسی رهنمون می‌سازد؟ آیا تفکر دینی را در او برمی‌انگیزاند؟ اساساً فیلم چه کیفیت و نگرشی از الهیات را مطرح می‌کند؟^۳

شاید فیلم‌ها رویکردی را که الهیدانان مایل‌اند، اتخاذ نکنند، اما در حال پرداختن به مضامین الهیاتی بسیار مغتنم است. شاید در دنیای امروز کشاندن مباحث الهیاتی به متن جامعه کمی خطر کردن باشد، اما در عین حال سودمند است. الهیات باید خود را برای مواجهه با سینما آماده کند؛ زیرا در حال الهیات چه بخواهد چه نخواهد، سینما با ذات غیردینی خود

۱. ساسانی، نشانه‌های معنوی در سینما، ص ۶۴.

2. JohnR May

۳. همان، ص ۲۸.

نسبت به حقایق الوهی و قدسی کنجکاو است و بدان‌ها ورود پیدا می‌کند. برای آنکه پردازش و بازخوانی الاهیات برای فیلم‌سازان جذاب باشد، باید رویکرد زیبایی‌شناسی دینی و انسان‌مداری دینی بسیار ظریف و ماهرانه در فیلم‌ها لحاظ شود. نیل هرلی، در کتاب انقلاب حلقه فیلم، می‌نویسد: «فیلم، انسان‌مداری مدرن است و با سخن گفتن با باسوادان و بی‌سوادان، به یک شکل می‌تواند ظرفیت‌های وجودی انسان را ترسیم سازد و خودهای دیگر و افق‌های جدید را از ما بیرون بکشد». بنابراین، کار الاهیدان اصلاح و تعمیق و به‌روز رسانی مفاهیم الاهیاتی است. با مطالعه هنر سینما، الاهیدان می‌تواند این مواجهه را تبدیل به فرصتی سودمند برای شناساندن آموزه‌های الاهیاتی برای انسان عصر حاضر کند تا آنکه به سینما این هنر محبوب، به دیده دشمنی خطرناک بنگرد.^۱

تاریخ ارتباط الاهیات و سینما حکایت از چالش و کشمشکی طولانی دارد که نشان می‌دهد تا مدت‌ها الاهیات آمادگی پذیرش سینما و مقتضیات سکولارش را تا نداشته است. در ابتدا این مواجهه رویکردی خصمانه داشته و به مرور زمان رویکرد همدلانه‌تر و دوستانه‌تری به خود گرفته، به گونه‌ای که مواجهه سینما از رویکرد دفاعی و انتقادی به رویکرد گفتگو و تعامل چرخش داشته است. برنارد لونرگان، از بزرگان الاهیات کاتولیک، در کتاب مشهور خود، با نام روشمندی در الاهیات، عینیت‌بخشی و تغییر و تحول در الاهیات مسیحی را در دنیای مدرن، امری اساسی و حیاتی برمی‌شمارد. گفتگو درباره خدا یا مفاهیم الاهیاتی به‌طور فزاینده‌ای نه فقط در بیرون، بلکه در درون کلیسا نیز روی می‌دهد. یکی از میعادگاه‌های اصلی این‌گونه گفتگوها سالن‌های سینماست. فیلم‌ها با ما، به‌عنوان کل بشریت، سروکار دارند. بسیاری از مردم در جهان در جستجوی معنویت‌اند، هرچند ممکن است علاقه‌ای به دین سازمان‌یافته نداشته باشند. جان آر دلبیو در کتاب مسیحیت بنیادی می‌گوید: «شمار بسیاری از مردم، به‌ویژه جوانان، از کلیسا گریزان‌اند، اما عیسی مسیح را دوست دارند. امروزه بسیاری از جوانان می‌خواهند در معنویت خود و دیگران مطالعه کنند».^۲

سینما همچون دیگر هنرهای داستانی با بهره‌گیری از امکانات خود دست به شکوفایی الاهیات می‌زند و الاهیات نیز مخزن عظیمی است از ایماژها، اسطوره‌ها، نمادها، روایت‌ها و

۱. همان، ص ۵۹.

۲. شولتز، «ارتباطات به‌منزله دین»، مجموعه مقالات دین و رسانه، ج ۲، ص ۹۳۱.

شخصیت‌هایی که برای سینما بسیار جذاب و مورد استفاده است و این فرصت خوبی است تا الاهیات به بازنگری خود پردازد. الاهیات با کمک سینما می‌تواند به ضمیر ناخودآگاه مخاطب رخنه کند و تجربه ناب دینی برای او رقم زند.^۱

سینما برای انسان مدرن یکی از اصلی‌ترین پایگاه‌های داده‌های قدسی محسوب می‌شود و بسیار ملموس‌تر و مورد پذیرش‌تر از دیگر راه‌های ارتباطی است و این در حالی است که نهادهای دینی به آهستگی و بسیار آرام و پرزحمت به ایجاد این ارتباط و انتقال مفاهیم الیهیاتی دست می‌یابند. نتایج این تعامل و به‌روزرسانی، کم شدن شکاف میان الاهیات و هنر است. در سایه این تعامل، هم الاهیات نظام‌مندتری را می‌توان ترسیم کرد و هم می‌توان الاهیات را به متن جامعه تزریق نمود. این همان الاهیات از پایین و انسان‌مدارانه‌ای است که دغدغه بسیاری از الاهدانان معاصر بوده است. از نگاه چارلز رابرت، الاهیات زنده و سالم الیهیاتی است که تنها در اعتقادنامه‌های ایمانی منحصر نباشد، بلکه در پویایی و معنادار کردن زندگی انسان نقش‌آفرینی می‌کند. در واقع الاهیات زنده، الیهیاتی است که به انسان و مسائل انسانی تمرکز بیشتری دارد تا دکترین‌های ایمان مسیحی.^۲ در نهایت می‌توان گفت در سودمندی این ارتباط همین بس که افراد با وابستگی‌های متفاوت دینی در جستجوی معنای زندگی از طریق سینما با محتوایی ارزشی هستند و کمک می‌کند تا انسان با خطاب قرار دادن الاهیات، پاسخی برای سؤال دیرینه خود بیابد و آن سؤال این است: «ما چگونه باید زندگی کنیم؟».

مواجهه الاهیات و سینما

روبرت کی جانستون در کتاب حلقه معنوی: گفتگوی الاهیات و فیلم^۳ از رویارویی الاهیات و سینما دسته‌بندی کاملی را ارائه می‌دهد که همچنان در پژوهش‌های الاهیات و سینما قابل استفاده و استناد است. از آغاز پیدایش سینما، کنش و پاسخ الاهیات به سینما را می‌توان در پنج رویکرد دسته‌بندی نمود که عبارت‌اند از: ۱. پرهیز؛ ۲. احتیاط؛ ۳. دیالوگ؛ ۴. تجویز؛ ۵. مواجهه الوهی. رویارویی کلیسا و سینما در گذر زمان از پیدایش سینما تاکنون فراز و نشیب‌ها و

۱. همان، ص ۱۰۶.

2. Charles C. Ryrie, *Basic Theology: A Popular Systematic Guide to Understanding Biblical Truth*, p.7.

3. Robert K. Johnston, *Reel Spirituality: Theology and Film in dialogue*. p.76.

چالش‌های گوناگونی داشته است. سیر خطی زیر، تغییر موضع ملایم کلیسا به سینما را در گذر زمان به خوبی نشان می‌دهد.



۱. پرهیز و اجتناب

از روزهای آغازین سینما، فضای محافظه‌کارانه‌ای نسبت به آن به وجود آمد که کلیسا و متولیان دین، رفتن به سینما را اشتباهی بزرگ دانستند و مردم را نیز از رفتن به سینما برحذر می‌داشتند. حتی در دوره‌ای، سینما روها واژه سینما را به صورت s-i-n-ema تلفظ می‌کردند تا مبادا مورد تهمت و قضاوت مخالفان آن قرار گیرند. در این فضای بسیار محافظه‌کارانه، هالیوود متهم بود که در برابر همه ارزش‌های مسیحیت ایستاده است. سینما با قدرت حیرت‌انگیزش در ارائه تصاویری که قطعاً در اذهان حک می‌شد، در حال شکل دادن و انتقال ارزش‌ها، ایده‌ها و آرزوهای فیلم‌سازان بود.^۱ با وجود جذابیت درون‌مایه‌های الاهیاتی برای فیلم‌سازان از جنبه‌های گوناگون، موضوع‌گیری‌ها نسبت به سینما، سنت به سنت و کلیسا به کلیسا متفاوت گزارش شده است. موضع کلیسای کاتولیک و پروتستان محافظه‌کار نسبت به ورود الاهیات به سینما از همان ابتدا اجتناب، تحریم، بایکوت و رویگردانی از این صنعت بوده است. تأثیر این سخن کلمنت اسکندرانی را در قرن دوم میلادی در این رویگردانی نباید بی‌تأثیر دانست: «تردید نیست که پرداختن به هنر فریبنده بر ما حرام شده است؛ زیرا پیامبر می‌گوید: آنچه شبیه به چیزهای آسمانی است یا آنچه در زیر زمین قرار دارد تو نخواهی ساخت».^۲

هربرت مایلز^۳ در مقدمه کتابش با عنوان فیلم‌ها و اخلاقیات^۴ از آپلمن هایمن نقلی قولی آورده است که او فیلم‌ها را هم‌ردیف مشروبات الکلی قرار می‌دهد و آنها را تهدیدی بزرگ و

1. Bryan P. Stone, *Faith and film; Theological Theme at Cinema*, p.5.

۲. شرایدر، سبک استعلایی در سینما، ص ۱۰۶.

3. Herbert Miles.

4. *Movies and morals*.

فراگیر برای آمریکا و جهانیان می‌داند. خود مایلز حتی سرزنش و مخالفتی شدیدتر از هایمن را مطرح می‌کند: «فیلم‌ها ابزار شیطان‌اند؛ بت گنهکاران و فرو رفتن در تباهی و رسوایی و رذالت، مانع پیشرفت انسانی، سرطان اخلاقی تمدن‌ها و دشمن درجه‌اول عیسی مسیح. البته کمی آموزه‌های خوبی هم می‌توان در فیلم‌ها یافت. بله، تعدادی برگه خوب هم در سطل زباله یافت می‌شود، اما این زمانی است که هیچ جایی بهتر از سطل زباله برای نگهداری این کاغذها نباشد». جای تعجب نیست که چرا سینما تا این حد به جان بخش‌های وسیعی از کلیسا و گروه‌های دینی ترس وارد کرده است. بسیاری از مسیحیان در خانواده‌هایی بزرگ شده‌اند که معتقدند اگر همه فیلم‌ها غیراخلاقی نباشند (هرچند بی‌تردید بسیاری از آنها غیراخلاقی‌اند)، دست‌کم از نظر اخلاقی وسیله خوبی برای گذراندن اوقات فراغت نیست. پس باید از آن دوری کرد. برای نمونه، پدر یکی از دوستانم نگران این بود که چه مصیبتی خواهد بود وقتی که مسیح باز می‌گردد و فرزندش در سینما باشد. این سوءظن و ترس در بسیاری از محافل همچنان ادامه داشت. چون به‌درستی معلوم شده بود که فیلم‌ها همان‌قدر خطرناک‌اند که خود زندگی»^۱.

کارل مک‌کلین می‌نویسد: «کسی که همیشه به خانه تئاتر و سینما رفت و آمد می‌کند و به اصطلاح فیلم‌رو است، نمی‌تواند نیروی شایسته و درخوری باشد، آن‌طور که یک رهبر مسیحی و معلم روز یکشنبه‌ها هست». دکتر تد باهر^۲ می‌گوید: «فکر می‌کنید چه چیزی باعث شد تا جان هینکی^۳ به جان رونالد ریگان رئیس‌جمهور آمریکا (۱۹۸۱) سوءقصد کند؟ من فکر می‌کنم این ترور تنها نشئت‌گرفته از فیلم راننده تاکسی ساخته اسکورسیزی باشد. وقتی به ویژگی‌های فیلم‌ها به دقت بیندیشید، متوجه تأثیر معنوی عمیق فیلم بر ذهن و روح مخاطب خواهید شد. این همان شکاف هالیوود و کلیساست». از نگاه باهر، دینی که ترسیم می‌شود دیگر مسیحیت نیست، مادی‌گرایی، مصرف‌گرایی، شهوت‌گرایی، لذت‌گرایی و اشاعه فرقه‌های دروغین سراسر خشونت است. او معتقد است بسیاری از فیلم‌ها نباید نمایش داده شوند و اگر نمایش داده می‌شوند مسیحیان باید برای اعتراض و بایکوت این فیلم‌های غیراخلاقی به سینما نروند. مشابه این نگاه را لاری پولاند^۴ دارد؛ او در دفاع از بایکوت فیلم‌ها، به‌ویژه فیلم آخرین و سوسه

1. John Lyden, *The Routledge Companion to Religion and Film*, p.53.

2. Dr Ted Baher.

3. John Hinkley.

4. Larry Poland.

مسیح اسکورسیزی، نام کتابش را آخرین وسوسه هالیوود گذاشت و دقیقاً چند ماه پس از پخش فیلم، این کتاب را منتشر کرد. پولاند این رویدادها را پرشورترین اختلاف میان هالیوود و کلیسا می‌داند و فیلم‌ها را توهین و تخریب سهمگین شخصیت و رسالت عیسی مسیح قلمداد می‌کند. در نتیجه او گروه کوچکی تشکیل داد که به تحریم و بایکوت بسیاری از فیلم‌ها می‌انجامید.^۱

در طی کمتر از ۱۵ سال پس از اختراع فیلم، انجمن‌های سانسور و گروه‌های مراقب در بسیاری از کشورها تأسیس شد که اغلب از دغدغه‌های اخلاقی مراجع دینی نشئت می‌گرفت. گاه پرده‌های نمایش سینما آکنده از صحنه‌های خشونت، جنایت و رومانیک ناپسند بود که هر انسان دغدغه‌مندی را نگران می‌کرد. در اسپانیا بسیاری از روحانیون کاتولیک روم و اندیشمندان در مقابل سینما ایستادند، برای نمونه، نویسنده‌ای به نام روکابادو^۲ در سال ۱۹۰۸ نوشته‌ای تند و سراسر انتقادی علیه سینما نوشت و تمام عمرش را صرف مبارزه و تخریب سینما نمود. در سال ۱۹۰۹ در ایتالیا کمیته بازنگری فیلم‌ها تأسیس و پیش‌نمونه‌ای از سیستم رتبه‌بندی تهیه شد. بدین ترتیب در قرن بیستم بسیاری از گروه‌های مسیحی، به‌ویژه در آمریکا به تهدید و خطر فیلم‌ها عکس‌العمل نشان دادند. جان رایس از فرقه اوانجلیست در مقاله خود با عنوان «مشکل فیلم چیست؟»^۳ خوانندگان را این‌گونه مورد خطاب قرار می‌دهد: «من شما را برحذر می‌دارم از دیدن فیلم‌هایی که قلب شما را تا جایی سنگ و بی‌تفاوت می‌کند که شما دل‌باخته و مشتاق به گناه می‌شوید».

در سال ۱۹۴۲ کمیته‌ای با نام بررسی صنعت تصاویر متحرک^۴ تشکیل شد که مسئولیت آن را فردی به نام دن گیلبرت^۵ بر عهده داشت. گیلبرت می‌نویسد: «هالیوود شبیه‌ترین چیز به جهنم روی زمین است که شیطان قادر شده تاکنون در دنیا مستقر کند. تأثیر هالیوود آسیب‌زدن و سست کردن فرهنگ و تمدن مسیحیتی است که پدرانمان در این سرزمین به زحمت بنا کرده‌اند». در دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ خانه چاپ کتب دینی، همچون زوندروان^۶ کتاب‌ها و

1. Jolyon Mitchel, *The Religion and Film reader*, p.315.

2. Rucabado.

3. What is wrong with movie?

4. Men's committee to investigate the motion picture industry.

5. Dan Gilbert.

6. Zondervan.